

از گوشه و کنار

یک مسئول در سازمان امور اجتماعی:
سطح نشاط اجتماعی در کشور
پایین است



معاون توسعه سرمایه اجتماعی و سازماندهی سواحل و دریا در سازمان امور اجتماعی کشور گفت: براساس آمارها سطح نشاط اجتماعی در کشور پایین است.

عباس قائد رحمت افزود: با توجه به نیازی که در کشور احساس می‌شود و سیر افزایش آسیب‌های اجتماعی در برخی از سنوات گذشته و هم‌چنین لزوم این که اقداماتی ضرورت داشت که در بعد نشاط اجتماعی در جامعه و شادکامی برای مردم پیش‌بینی شود، یکی از دستورات اصلی شورای اجتماعی کشور به این موضوع اختصاص پیدا کرد.

وی با اشاره به موضوعات مطرح شده در این جلسه شورای اجتماعی ادامه داد: در این جلسه همه دستگاه‌ها نقطه نظرات خود را ارائه دادند. سازمان اجتماعی طرحی را با محورهای متعدد طراحی کرده و ۲۰ برنامه اساسی را نیز اعلام کرده است که از ویژگی این طرح می‌توان به خانواده محوری مدرسه محوری، محیط آموزشی محوری و فرد محوری و سایر ویژگی‌های مدنظر که برای ارتقای نشاط اجتماعی است، اشاره کرد.

وی با بیان این که آمارها و گزارش‌ها متأسفانه نشان می‌دهد سطح نشاط اجتماعی در کشور پایین است تصریح کرد: باید با همه شیوه‌ها و روش‌ها، دستگاه‌ها، ان جی اوها، سمن‌ها، جریان‌های داوطلبی همه بایستی مشارکت کنند و به میدان بیایند تا بتوانند سطح نشاط اجتماعی را در آستانه نوروژ و تمام طول سال بالا ببرند.

قائد رحمت خاطر نشان کرد: یکی از تصمیماتی که وزیر در جمع‌بندی اظهار کرد این بود که کار گروهی به صورت دائمی داشته باشیم و بتوانیم دستور دانهی شورای اجتماعی و نشاط اجتماعی را قرار دهیم. زیرا هر قدر نشاط اجتماعی بالا رود؛ رضایت‌مندی نیز افزایش می‌یابد اعتماد و امید مردم بالاتر می‌رود و قطعاً آسیب‌ها کاهش پیدا می‌کند.

در روزهای پایانی سال، اهدای خون را فراموش نکنید



مدیر کل انتقال خون استان تهران با اشاره به فرا رسیدن تعطیلات عید نوروز گفت: از مردم می‌خواهیم در روزهای پایانی سال، اهدای خون را هم جز برنامه‌های شان قرار دهند تا بتوانیم با ذخایر مناسب تعطیلات نوروزی را آغاز کنیم و با حوادثی مانند تصادفات، آتش‌سوزی‌ها و غیره دغدغه‌ای برای نجات جان بیماران و تأمین فرآورده‌های خونی مورد نیازشان نداشته باشیم.

طباطبایی درباره مراکز فعال انتقال خون استان تهران گفت: در پنج روز ابتدایی عید یعنی از ۲۹ اسفند تا ۴ فروردین ماه مرکز وصال شیرازی از ۸ صبح تا ۸ شب فعال است و مراکز جامع ستاری، تهرانپارس و شهری نیز از ساعت ۹ صبح تا ۱۷ بعد از ظهر فعالیت می‌کنند.

در روزهای ۵ و ۶ و ۷ علاوه بر این مراکز، مرکز شهریار و ورامین نیز فعالیت‌های شان را آغاز می‌کنند تا بتوانیم در این مدت پاسخگوی تعداد بیشتری از مردم باشیم. در روز سیزدهم فروردین نیز تنها مرکز فعال برای اهدای خون، مرکز وصال شیرازی است.

جمشید محبت‌خانی: «این دو توله پلنگ در مناطق چهارگانه کشته نشده‌اند بلکه در منطقه آزاد تلف شده‌اند. متأسفانه در سازمان محیط زیست با کمبود ۵۰ درصدی محیط بان روبه‌رو هستیم.» اما آیا کمبود محیط بان می‌تواند دلیل موجهی باشد برای شانه خالی کردن از مسؤلیت؟

ما به خصوص جوانان به شدت به حمایت حقوقی و اخلاقی از حیوانات گرایش یافته‌اند. این روند، با رشد اطلاعات مردم در این باره که طبیعت و حیوانات و انسان در دنیایی کاملاً مرتبط زیست می‌کنند و سرنوشته آن‌ها به هم گره خورده، همراه بوده است. با تحلیل وضعیت فعلی و فعالیت‌های حقوق حیوانات شاید بتوان به این نتیجه رسید که مردم اولاً برای حیوانات نیز درد ورنجی قائل‌اند و دوم در پی کاستن درد ورنج از جهان هستند. امروزه در بسیاری از شهرها مکان‌ها و مؤسسه‌های مردم‌نهاد تحت عنوان پناهگاه حیوانات برپا شده است. در عرصه عمل، پناهگاه‌ها غالباً توانسته‌اند در اصلاح رفتار مردم نسبت به حیوانات مؤثر باشند. باین همه، پناهگاه‌ها مسائل و معضلات نظری و عملی هم داشته و دارند؛ از جمله این که هر چند جان بسیاری از حیوانات اهلی را از مرگ رها ندهند، موفق نشده‌اند زندگی طبیعی و همراه آسایش برای آن‌ها فراهم آورند. به همین دلیل برخی فعالان حقوق حیوانات وجود پناهگاه حیوانات را از اساس زیر سؤال برده‌اند. اما باید توجه داشت که مادر آغاز راهیم و اینک در وضعیتی بحرانی به سر می‌بریم و اولویت فعلی ما بازداشت خشونت سازمان‌دهی شده علیه حیوانات است. به نظر می‌رسد پناهگاه‌ها از ثمرات نگاه فایده‌گرای فلسفی به حیوانات در کشور ما هستند و خواسته یا ناخواسته - آگاهانه یا ناآگاهانه، این نگاه را در چشم مردم تقویت می‌کنند که باید سعی کرد رنج و درد را از سر حیوانات از جمله حیوانات اهلی برداشت، بی آن که توقعی برای این سعی و تلاش در سر داشت. نفس رنج‌زدایی از جهان، یک ارزش است که می‌تواند هدف اصلی چنین کوشش‌هایی باشد.»

آموزش و مشارکت‌های مردمی سازمان حفاظت محیط زیست چنین ادامه می‌دهد: «برای این کار، مادر حد توان خود با نمونه‌های کوچک شروع کردیم و با تعامل پیوسته با مردم چندروستار حاشیه ذخیره‌گاه زیست‌کره توران توانستیم به سهم خود تغییراتی در نگرش مردم به منطقه‌ارزشمند توران ایجاد کنیم. خوشبختانه این روزها در میان مردم بومی این مناطق شاهد نشانه‌هایی از آگاهی و علاقه آن‌ها به حیات وحش هستیم که ما را به حفاظت مناطق آزاد با کمک جامعه بومی امیدوار می‌کند.»

مردم ساکن زیستگاه‌های گربه‌سانان بزرگ‌جثه، نقشی بسیار پررنگ در حفاظت از این گونه‌ها و زیستگاه‌شان دارند. برای کار با مردم محلی نیاز به تحقیقات و فعالیت‌های جامعه‌شناسانه داریم.» درویش به حقوق حیوانات اشاره می‌کند: «وقتی درباره حقوق حیوانات صحبت می‌کنیم، در درجه اول درباره یک «حق» صحبت می‌کنیم: حق دارایی کسی نبودن. بر این اساس، نگهداری، پرورش و حتی مهربانی با حیوانات نیز غیر اخلاقی است. می‌توانیم بی‌رحمی بی‌رحمی می‌توان درد ورنج حیوانات را کاهش داد. مثلاً آیا تجربه درد ورنج یک مرغ، با تجربه درد ورنج یک گاو یکی است؟ آیا گاو به دلیل داشتن مغز بزرگ‌تر، ظرفیت شناختی بیشتری دارد و در نتیجه درد بیشتری تحمل می‌کند؟ به این پرسش‌ها در حال حاضر پاسخی داده نشده. در حال حاضر، می‌توانیم به درد ورنج حیوانات وحشی در طبیعت فکر کنیم. آیا باید جلوی دریده شدن جانداران توسط جانداران دیگر را نیز گرفت؟ مثلاً با حیوانات شکارچی مانند گرگ و شیر چه کنیم؟ بگذاریم دیگر جانداران را بخورند؟ دخالت کردن در طبیعت و به هم زدن چرخه زیستی نیز بسیار مهم است. منتقدان خواهند گفت کاهش رنج و درد حیواناتی که در حیات وحش زندگی می‌کنند، تنها ارزش موجود ما نیست. باید به طبیعت به مثابه چرخه زیستی توجه کنیم. این بحث نسبتاً جدید است و فیلسوف‌های اخلاق نیز وارد آن شده‌اند. به نظر من مسئله به‌طور ویژه، کار خاصی نمی‌توانیم انجام دهیم.»

درویش، خوش‌بینانه می‌افزاید: «در چند سال اخیر، بعضی از مردم انقراض را بکنند برای تزیین اتاق نشیمن و نمایش ثروت برخی تازه به‌دوران رسیده‌ها. مردم، محیط زیست، بومیان! با وجود تعارض‌های بسیار با حیات وحش، در نبود آگاهی کافی، جامعه بومی می‌تواند بسیار آسیب‌رسان باشد. این یک معضل بزرگ در امر حفاظت و کاملاً جامعه‌شناسانه است. وضعیت از گربه یا سگ سیاه و جغد و شوم بودن‌شان نمی‌زنیم. مسئله این است که امروز شکارچیان غیرمجاز سراغ حیوانات می‌روند تا برای بازاری که هر روز بر رونقش افزوده می‌شود مواد لازم برای درمان و طلسم و جادو فراهم کنند و پوست حیوانات را به محمد درویش مدیرکل دفتر

شاید دیگر شنیدن خبر درباره کشتار حیات وحش و دستگیری شکارچیان غیرمجاز از سوی سازمان محیط زیست یا حتی دادستانی شهرها برای هیچ کدام از ما تازگی نداشته باشد. خبرهای درناکی از پیداشدن لاشه‌های سربریده و گلوله خورده کل و بز و قوچ و میش تا پلنگ و خرس و روباه و عکس و ویدئوی شکارچیان باین لاشه‌ها در فضای مجازی که موجب آزرده شدن افکار عمومی می‌شود که دغدغه مسائل زیست‌محیطی دارند. تازه‌ترین و دردناک‌ترین خبر از این دست، کشف جسد دو توله پلنگ در شهرستان چرام استان کهگیلویه و بویراحمد است که گفته می‌شود جای گلوله در بدن آن‌ها دیده نشده، اما پنجه‌های شان قطع و احتمالاً مسموم شده‌اند. دلیل مرگ این دو توله هر چه باشد، بیانگر این واقعیت است که برای حفاظت از حیات وحش کشور، ابزار مناسب و قوانین راهگشا نداریم.



چنین بحرانی که سلامتی و درمان بیماری بسیار گران تمام می‌شود و هیچ‌جایی در میان دخل و در آمد کل خانواده ندارد. این دیگر توصیه مادر بزرگ‌ها برای درد زانو و کمر نیست که می‌گویند از روغن الاغ استفاده کن. توصیه خاله خانجایی‌ها نیست که اصرار دارند برای بخت‌گشایی از بخشی از بدن کفتر استفاده کنیم و آن را از گردن‌مان بیاویزیم. این هم توصیه پیرمردانه‌ایست که می‌گویند اگر گوشت خرس تر سیاه یا فلان مار را بخورد مثل یک مرد جوان برای زنان جذاب خواهد شد!

این حرف‌ها و اعتقادات، متعلق به گذشته است. اما این روزها بیشتر از گذشته طرفدار دارد و همین اعتقاد و باورهای غلط، بلایی شده است به جان محیط زیست. حالا دیگر حرفی از گربه یا سگ سیاه و جغد و شوم بودن‌شان نمی‌زنیم. مسئله این است که امروز شکارچیان غیرمجاز سراغ حیوانات می‌روند تا برای بازاری که هر روز بر رونقش افزوده می‌شود مواد لازم برای درمان و طلسم و جادو فراهم کنند و پوست حیوانات را به

محیط هم درباره کمبود نیروهای حفاظتی در برخی مناطق گفته است: «این دو توله پلنگ در مناطق چهارگانه کشته نشده‌اند بلکه در منطقه آزاد تلف شده‌اند. متأسفانه در سازمان محیط زیست با کمبود ۵۰ درصدی محیط بان روبه‌رو هستیم.» اما آیا کمبود محیط بان می‌تواند دلیل موجهی باشد برای شانه خالی کردن از مسؤلیت؟ یا باید تمام تلاش خود را برای حفاظت از مناطق و حیات وحش به کار بگیریم؟

فرمانده یگان حفاظت سازمان حفاظت محیط زیست تأکید کرده است با استفاده از ظرفیت پلیس و نیروهای امنیتی استان افراد خاطی شناسایی و با آن‌ها برخورد خواهد شد.

ولی به ما ربط دارد! شاید بگویید نه! شاید بی‌سرسید اصلاحی ربطی دارد؟ اما می‌توانیم ادعا کنیم گاهی به سر خودمان هم زده است سراسر چنین دوا و درمان‌هایی بروییم؛ وقت‌هایی که از هر پزشک و دارو و عمل جراحی و... ناامید شده‌ایم و یا در روزگاری

خبر مثل همیشه درناک است و با واکنش شدید حامیان محیط زیست مواجه شده است: پنجشنبه گذشته نیروهای محیط زیست شهرستان چرام در استان کهگیلویه و بویراحمد با دریافت گزارش مردمی و پس از جست‌وجو در منطقه آزاد تنگ زرد در پنج کیلومتری روستای بیدانجیر لاشه دو توله پلنگ را پیدا کردند. مدیرکل حفاظت محیط زیست استان کهگیلویه و بویراحمد در مورد دو توله پلنگی که هنوز معلوم نیست چه طور کشته شده‌اند و پنجه دست‌های شان سلاخی شده، می‌گوید: «به دلیل کمبود نیروی حفاظتی، منطقه حفاظت شده چرام که لاشه این دو توله پلنگ سلاخی شده در آن نواحی پیدا شده، با ۱۸۰ هکتار وسعت تنها با دو محیط‌بان کنترل می‌شود!

جمشید محبت‌خانی فرمانده یگان حفاظت سازمان حفاظت



آذر فخری

یادداشت

شناخت اختلال شخصیت «خودشیفته»

من شیفته خویشم



فاطمه ناصح، دکترای روانشناسی عمومی

«دوست داشتن خود» یکی از خصایص مطلوبی است که زیاده‌روی در آن باعث به وجود آمدن مشکلاتی می‌شود که این، نه تنها خود فرد بلکه اطرافیان وی را هم می‌آزارد. گاهی تا وقتی که وارد رابطه عمیق با فردی نشوید متوجه نخواهید شد که او خودشیفته است؛ همینطور ممکن است تشخیص هم ندهید چیزی که در ابتدا مجذوبتان کرده و الان آزارتان می‌دهد. همان «خودشیفتگی» است. بر این اساس گرایش به خودشیفتگی کم و بیش در همه افراد دیده می‌شود. بنابراین خودشیفتگی (Narcissism) از بحث برانگیزترین موضوعات روان‌شناسی است که می‌تواند یک مانع جدی در روابط و مناسبات میان فردی تلقی شود.

در قلمرو روانشناسی تمایز قائل شدن میان خودشیفتگی سالم و سایر اختلالات شخصیت از جمله اختلال شخصیت خودشیفته بسیار اهمیت دارد. باید

«خودشیفتگی» اختلال شخصیتی است بطوریکه خود بیمار گمان می‌کند که حالش کاملاً خوب است.

در نظر به‌های روان‌تحلیلی، «خودشیفتگی» مرحله‌ای از رشد طبیعی است که در مراحل بعدی رشد به عشق خارجی (دیگری) تحول می‌یابد و کودک می‌تواند به دیگران عشق بورزد. ولی در حالت خودشیفتگی بیمارگونه، کودک برای بدست آوردن محبت و عشق مطمئن به درون برمی‌گردد تا بر احساس شکننده طرد شدن (دوست‌نداشته شدن) غلبه کند. خودشیفتگی در رویکرد روان‌تحلیلی، به عنوان خودخواهی ناشی از عدم تمیز خود از دیگری شناخته می‌شود.

به‌طور کلی سبب‌شناسی سازه خودشیفتگی، بر مفاهیم عزت نفس شکننده، خودپنداره بزرگ منش، نقص در سبک‌های فرزند پروری و عدم پاسخدهی مطلوب والدین به نیازهای رشدی کودک در سنین اولیه، شد، بازگشت محبت به درون و جبران احساس حقارت اساسی تأکید دارد. به‌باور کارشناسان عزت‌نفس ناپایدار و شکننده عاملی مهم در بوجود آمدن خودشیفتگی است. بنابراین، فرد خودشیفته ممکن است با حالت دفاعی، پوششی از خودبینی و عزت نفس بالا ولی به صورت توخالی و شکننده را در خود رشد بدهد تا احساسات زیربنایی را به صورت پنهان نگه دارد. همچنین خودشیفتگی می‌تواند با سطوح بالا یا پایین عزت

این واقعیت را پذیرفت، افرادی که دارای سطوح معقولی از اعتماد به نفس هستند، و خود را محصور در هاله‌ای مثبت می‌پندارند و همچنین از احساس خوشحالی و لذت از زندگی سود می‌برند، از نظر روانشناختی سالم هستند و در زمره خودشیفته‌ها قرار نمی‌گیرند؛ زیرا به لحاظ بالینی داشتن عزت نفس سالم، کسی را به یک فرد مبتلا به اختلال شخصیت خودشیفته مبدل نمی‌سازد.

واژه «نارسیسیسم» در زبان انگلیسی به معنای خودشیفتگی افراطی است. با پیشرفت روان‌شناسی، باورها درباره خودشیفتگی بسیار پیچیده‌تر شده است. زیگموند فروید معتقد است خودشیفتگی مشکلی صرفاً نانه است و راه درمانی هم ندارد، زیرا فرد خودشیفته در مقابل اقدامات درمانی مقاومت می‌کند. وی خودشیفتگی را مسئله‌ای صرفاً نانه تلقی می‌کند و معتقد است زن‌ها تنها به این دلیل خود را می‌آریند که به مردها دست یابند. این تمرکز روی زیبایی‌های فیزیکی سبب شده است که آن‌ها از خودراضی و از نظر احساسی ضعیف باشند. بر اساس راهنمای تشخیصی و آماری اختلالات روانی انجمن روان‌پزشکی آمریکا